مجله اقتصادی
شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹٤، صفحات ٤٦-۳۵

رقابت‌پذیری بخش کشاورزی کشورهای منتخب با تأکید بر ایران

سعید راسخی
استاد اقتصاد، گروه اقتصاد بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران
srasekhi@umz.ac.ir

محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی
دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران
mgilak@umz.ac.ir

سیده وجیهه جباری خشکرودی
دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران
v.jabbarry@yahoo.com

در مطالعه حاضر، رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی ایران و کشورهای منتخب طی دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۵) بررسی و اندازه‌گیری شد. برای این منظور از شاخص‌های رقابت‌پذیری صادراتی، وارداتی و تجارت استفاده شده است. بر اساس محاسبات انجام‌شده مشخص گردید کشورهای ساحل‌عاج، اروگوئه، نیوزیلند، آرژانتین و غنا پنج کشور اول در صادرات و تجارت محصولات کشاورزی در بین کشورهای منتخب می‌باشند و بخش کشاورزی ایران از جایگاه رقابت‌پذیری مناسبی در مقایسه با بسیاری از کشورهای مورد مطالعه برخوردار نیست و تنها در سال ۱۳۷۷ دارای مزیت صادراتی در محصولات کشاورزی بوده که به‌نظر می‌رسد به‌طور عمده، ناشی از بهره‌وری عوامل تولید در این سال بوده است. همچنین، شاخص صادراتی ایران طی دوره مورد مطالعه نشان می‌دهد که مزیت رقابتی این محصولات، روند نزولی و نوسانی داشته است. این نتایج احتمالاً ناشی از عدم توجه کافی به عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری به‌ویژه بهره‌وری و عدم به‌کارگیری راهبرد مناسب و مشخص برای توسعه پایدار بخش کشاورزی بوده است. با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق، برای ارتقا و حفظ سهم صادراتی محصولات کشاورزی، توجه به بهره‌وری عوامل تولید و تدوین استراتژی مشخص و مناسب جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مزیت نسبی آشکارشده متقارن، بهره‌وری، بخش کشاورزی، ایران.

۱. مقدمه

مزیت نسبی یکی از مباحث اصلی نظریه‌های تجارت بین‌الملل است که اگر به‌درستی شناسایی شود و در عمل نیز محقق گردد، روند توسعه اعم از آن‌که استراتژی توسعه اقتصادی، جایگزینی واردات یا تشویق صادرات و یا تلفیقی از آنها باشد سریع و پایدار خواهد بود. به‌ویژه در بستر جهانی‌شدن

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

تنها کالاهایی که از قدرت رقابتی برخوردارند، می‌توانند در بازارهای جهانی دوام و بقا داشته باشند؛ بنابراین شناسایی محصولاتی که دارای مزیت نسبی و رقابتی هستند می‌تواند دارای اهمیت بالایی برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور باشد. با توجه به آن‌که تجارت کالاهای مشابه در بازارهای بین‌الملل با رقابت بسیار زیاد همراه است و با در نظر گرفتن این مطلب که ایران به‌لحاظ تکنولوژیک از توان بالایی برای ایجاد تنوع در محصولات برخوردار نیست، بهتر است به تجارت در کالایی بپردازد که در تولید آنها مزیت نسبی دارد و همچنین رقابت بر سر آن کالاها در بازارهای جهانی کمتر است. در این راستا، بخش کشاورزی کشور از جمله بخش‌هایی است که به دلایل مختلف ازجمله وفور منابع طبیعی و تنوع آب‌وهوایی سهم عمده‌ای در صادرات غیرنفتی ایران دارد؛ بنابراین شناسایی مزیت نسبی آن می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق اهداف برنامه‌های توسعه صادرات غیرنفتی ایفا نماید.

هدف اصلی این مقاله، اندازه‌گیری و بررسی رقابت‌پذیری بخش کشاورزی کشورهای منتخب شامل ایران طی دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۵) است. برای این منظور، با استفاده از آخرین آمار و اطلاعات و به‌کارگیری شاخص‌های مزیت نسبی آشکارشده متقارن (RSCA)[1]، مزیت نسبی صادرات (RXA)[2] و مزیت نسبی تجارت (RTA)[3] به اندازه‌گیری میزان رقابت‌پذیری پرداخته شد.

مقاله حاضر در چهار بخش سازماندهی شده است. پس از مقدمه در بخش نخست؛ بخش دوم به مبانی نظری تحقیق پرداخته است. بخش سوم، به اندازه‌گیری و بررسی رقابت‌پذیری بخش کشاورزی ایران و کشورهای منتخب اختصاص یافته و در نهایت در بخش چهارم خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. مفهوم رقابت‌پذیری

مفهوم رقابت‌پذیری که در سیر تکامل نظریه‌های مزیت و به‌ویژه مزیت رقابتی قرار دارد از جنبه‌های خرد و کلان قابل بررسی است. از بعد کلان این مفهوم در بعد اقتصاد ملی مطرح می‌شود، اما مفهوم خرد رقابت‌پذیری گسترده‌تر از مفهوم کلان آن بوده و مشتمل بر خصوصیات اساسی تولیدکنندگان در زمینه رقابت در سهم بازار، سود حاصل از تولید و صادرات می‌باشد (جانی، ۱۳۹۰).

سنجش رقابت‌پذیری در سطح کلان توسط بنیاد مدیریت و توسعه (IMD)[4]، مجمع جهانی اقتصاد (WEF)[5] و صندوق بین‌المللی پول (IMF)[1] مطرح می‌شود و رویکرد خرد در مفهوم

1. Revealed Symmetric Comparative Advantage
2. Relative Export Advantage
3. Relative Trade Advantage
4. Institute of Management Development
5. World Economic Forum

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

رقابت‌پذیری توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)[2] به‌کار گرفته می‌شود. از این‌رو هر یک از سازمان‌های فوق به تعاریفی از رقابت‌پذیری پرداخته و محاسباتی نیز بر اساس تعاریف صورت‌گرفته انجام داده‌اند (پژویان و فقیه‌نصیری، ۱۳۸۸).

بر اساس تعریف بنیاد مدیریت توسعه، رقابت‌پذیری حوزه‌ای از اقتصاد است که به تحلیل عوامل و سیاست‌هایی می‌پردازد که شکل‌دهنده توان ملل در ایجاد و نگهداری محیط بوده و منجر به ایجاد ارزش بیشتر در محیط کسب‌وکار و موفقیت بیشتر مردمش می‌شود. از دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد رقابت‌پذیری توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد یا حفظ استاندارد زندگی (درآمد سرانه) است که مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عوامل سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند و بهره‌وری تعیین‌کننده رشد درآمد سرانه آن کشور است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۰). رویکرد سومی که در زمینه مفهوم رقابت‌پذیری مطرح است بر اساس تعریف اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول است که در آن نرخ ارز واقعی به‌عنوان شاخصی برای رقابت‌پذیری در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این رویکرد تعیین کمتر از ارزش نرخ ارز منجر به افزایش و تعیین بیش از ارزش نرخ ارز منجربه کاهش رقابت‌پذیری محصولات داخلی می‌شود. سازمان همکاری اقتصای و توسعه، رقابت‌پذیری را توانایی یک کشور در شرایط بازار آزاد برای تولید محصول و ارائه خدمات در جهت ورود به بازار بین‌المللی و همزمان با آن توسعه و حفظ درآمد واقعی شهروندان خود در مدت زمان طولانی می‌داند.

بر اساس تعاریف ارائه شده از رقابت‌پذیری، رویکرد خرد به بحث رقابت بین بنگاه‌های داخلی و خارجی برای کسب سهم بیشتر از بازار داخلی و خارجی تأکید دارد، حال آنکه در تعاریف با رویکرد کلان به ایجاد محیط رقابتی اشاره می‌شود که در راستای تعریف صورت‌گرفته از مزیت رقابتی است. در این راستا خلق مزیت رقابتی توسط بنگاه‌های داخلی بر اساس نگاه فرایندی به رقابت به‌معنای معرفی روش‌ها و محصولات جدید همراه با کاهش هزینه‌ها درتولید مرتبط بوده و ارتقای بهره‌وری را دنبال می‌کند (جانی،۱۳۹۰).

شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری رقابت‌پذیری وجود دارند که معروف‌ترین آنها مزیت نسبی آشکارشده (RCA)[3] می‌باشد که نخستین بار توسط بالاسا[4] ارائه شد و از دهه ۱۹۶۰ به بعد، به‌عنوان یک شاخص تعیین‌کننده رقابت‌پذیری به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفت (نیکواقبال و ولدبیگی، ۱۳۸۶). شاخص مزیت نسبی آشکار شده به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

1. International Monetary Fund
2. Organization of Economic Cooperation and Development
3. Revealed Comparative Advantage
4. Balassa

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

$$RCA_{ij} = \frac{X_{ij} / X_j}{X_{iw} / X_w} \qquad (۱)$$

که در آن: X_{ij} صادرات کالای بخش i توسط کشور j، X_j کل صادرات کشور j، X_{iw} صادرات جهانی بخش i و X_w کل صادرات جهان می‌باشد (والراس، ۱۹۹۱). شاخص RCA به ساختار صادرات ملی در مقایسه با ساختار صادرات جهان توجه می‌کند و با توجه با اینکه صادرات می‌تواند نتیجه سوبسید یا مشوق‌هایی مثل انحراف نرخ ارز باشد چنین شاخصی توضیح‌دهنده رقابت‌پذیری است نه مزیت نسبی (سیگل، ۲۰۰۶) و برخلاف شاخص‌های پیش‌نگر[1] در برگیرنده همه عوامل مؤثر در مزیت نسبی از جنبه‌های تولیدی، صدور و تقاضا است (مهرآرا و رستمیان، ۱۳۸۵). در صورتی‌که این شاخص در بازه صفر تا یک قرار گیرد نشان‌دهنده عدم مزیت نسبی و اگر بزرگتر از یک محاسبه شود نشانگر وجود مزیت نسبی در صادرات بخش i می‌باشد. بررسی شاخص RCA نشان می‌دهد که دامنه تغییرات آن بسیار زیاد است، برای رفع این مشکل براسیلی (۲۰۰۰)، شاخص مزیت نسبی آشکار شده متقارن را به‌عنوان شکل متقارن یا نرمال شده‌ای از این شاخص ارائه نمود:

$$RSCA_{ij} = \frac{RCA_{ij} - 1}{RCA_{ij} + 1} \qquad (۲)$$

دامنه تغییرات RSCA بین ۱- و۱+ می‌باشد. هرچه مقادیر RSCA به ۱+ نزدیک‌تر شود، مزیت رقابتی بیشتر و هرچه به ۱- نزدیک‌تر شود عدم مزیت رقابتی بخش مورد نظر در بازار جهانی شدیدتر می‌شود.

افزون بر شاخص‌های مطرح شده، والراس (۱۹۸۹) شاخص مزیت نسبی تجارت را به‌صورت اختلاف شاخص مزیت نسبی صادرات و شاخص مزیت نسبی واردات (RMA)[2] ارائه نمود که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$RTA_{ij} = RXA_{ij} - RMA_{ij} \qquad (۳)$$

شاخص مزیت نسبی صادرات که به‌صورت نسبت سهم صادرات کشور j از کالای i در بازار جهانی به استثنای سهم کشور فرض شده در صادرات جهانی برای همه کالاهای دیگر تعریف شده است به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

1. Ex-ant
2. Relative Import Advantage

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

$$RXA = \frac{X_{ij} / \sum_{t,t\neq j} X_{it}}{\sum_{n,n\neq i} X_{ni} / \sum_{n,n\neq i} \sum_{t,t\neq j} X_{nt}} \qquad (۴)$$

که در آن X صادرات i، n نشانگر بخش مورد نظر، t و j کشورها هستند. تفسیر این شاخص همانند RCA می‌باشد. شاخص مزیت نسبی واردات همانند RXA می‌باشد؛ اما به‌جای صادرات، واردات قرار داده می‌شود. شاخص RMA کمتر از یک نشان‌دهنده مزیت نسبی است، بنابراین ارزش‌های بالاتر از صفر RTA به‌معنای وجود مزیت نسبی تجارت و ارزش‌های کمتر از صفر آن به‌معنای عدم مزیت نسبی تجارت می‌باشد (آتکولا و سیمن، ۲۰۰۴).

۲-۲. مطالعات تجربی

سلامی و پیش‌بهار (۱۳۸۰) به بررسی رقابت‌پذیری سه گروه از محصولات کشاورزی (باغی، زراعی و فرآوری‌شده) ایران با استفاده از معیارهای مزیت نسبی آشکارشده و مزیت نسبی آشکارشده متقارن طی دوره زمانی (۱۳۸۰-۱۳۷۸) پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد اگرچه ایران در تولید بیشتر محصولات مورد مطالعه مزیت نسبی قابل توجهی دارد، اما مجموعه سیاست‌های کشور و رفتار اقتصادی تولیدکنندگان و صادرکنندگان به‌گونه‌ای بوده که نتوانسته است به واکنش به‌موقع و مناسب ساختار صادراتی کشور در برابر تغییرات ساختار صادراتی کشورهای منطقه خاورمیانه و جهان بینجامد.

میرزایی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی عوامل مؤثر بر شاخص RCA محصول گوشت مرغ ایران در خاورمیانه در قالب الگوی خطی رگرسیونی و با استفاده از آزمون مکی‌نون[1] طی دوره زمانی (۱۳۷۸-۱۳۶۹) پرداختند. نتایج نشان داد که میزان تولید گوشت مرغ و قیمت صادراتی تأثیری روی شاخص مزیت نسبی آشکارشده نداشته و تنها، عامل نرخ ارز تأثیر معناداری برروی این شاخص گذاشته است. نتایج حاکی از این موضوع است که در سال‌های مورد مطالعه صادرات گوشت مرغ ایران در منطقه خاورمیانه تابع سیاست‌های ارزی بوده و ارتباطی با میزان تولید و قیمت جهانی این محصول نداشته است.

آرمن و زنگنه (۱۳۸۶) با استفاده از شاخص هزینه منابع داخلی به محاسبه و بررسی رقابت‌پذیری بین‌المللی فعالیت‌های صنعتی ایران طی دوره (۱۳۸۲-۱۳۷۷) پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نشان داد که رقابت‌پذیری فعالیت‌های صنعتی ایران از سال ۱۳۸۱ با اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و کاهش نسبی دخالت دولت در اقتصاد بهبود یافت؛ همچنین در ادامه با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی به بررسی اثر نسبت عامل، بهره‌وری عوامل و اندازه دخالت دولت بر رقابت‌پذیری

1. Mackinnon

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

پرداختند. نتایج نشان داد که در بیشتر موارد، کاهش اندازه دخالت دولت در اقتصاد مهم‌ترین نقش را در بهبود رقابت‌پذیری فعالیت‌های صنعتی داشته و اثر بهره‌وری و نسبت عوامل تولید در جهت بهبود رقابت‌پذیری بوده است.

مهرابی بشرآبادی و نشاط (۱۳۸۹) با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) و محاسبه شاخص مزیت نسبی آشکارشده به بررسی عوامل مؤثر بر مزیت نسبی صادراتی پسته طی دوره زمانی (۲۰۰۶-۱۹۶۱) پرداختند. نتایج حاصل ازاین پژوهش نشان داد یک رابطه سببی مثبت از میزان تولید داخلی، نرخ ارز و قیمت صادراتی جهانی به‌سمت مزیت نسبی وجود دارد. بنابراین هر عامل فنی یا طبیعی سبب نقصان در تولید داخلی پسته شود، عرضه صادرات و در نتیجه مزیت صادراتی ایران را کاهش می‌دهد. بر اساس این مطالعه افزایش سطح زیر کشت و اعمال سیاست‌های کنترل برای حفظ قدرت رقابتی ضروری می‌باشد.

پاکروان و گیلانپور (۱۳۹۲) با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی صادراتی و تجاری به بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای جنوبی (MENA)[1] طی دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۵) پرداختند. نتایج نشان داد که ایران در زمینه شاخص مزیت صادراتی محصولات کشاورزی در دوره زمانی مورد مطالعه دارای مزیت نبوده، اما شاخص مزیت صادراتی بر اساس سبد صادرات کالاهای غیرنفتی نشان‌دهنده رقابت‌پذیری بخش کشاورزی در بازارهای جهانی در سال‌های (۲۰۰۷-۱۹۹۵) است.

کلاریدا و فانیدلی (۱۹۹۱) با بررسی تحلیلی رابطه دولت و سیاست‌های آن با رقابت‌پذیری در قالب مدل نئوکلاسیک تجارت بین‌الملل نشان دادند که متفاوت بودن عوامل تولید و عرضه کالاهای عمومی کشورها، نقش مهمی در تعیین الگوهای تجارت بر عهده دارند. همچنین با متفاوت بودن بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش تجاری، عرضه کالاها و نهاده‌های عمومی نیز تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.

گوبتا (۲۰۰۹) به بررسی تحلیلی مزیت نسبی و مزیت رقابتی از دیدگاه اقتصادی پرداخت و پس از بیان عوامل مؤثر بر مزیت نسبی و رقابتی به این نتیجه رسید که مزیت نسبی و مزیت رقابتی به‌عنوان مکمل و نه جانشین هم در تعیین وحفظ مزیت یک کشور در تولید کالاها و خدمات در تجارت بین‌الملل به حساب می‌آیند؛ عواملی همچون عوامل تولید، بهره‌وری، نرخ ارز و سیاست‌های دولت مهم‌ترین نقش را در رقابت‌پذیری کشورها ایفا می‌کنند.

1. Middle East and North Africa

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

آماروسا و همکاران (۲۰۱۱)، با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)[1] و با به‌کارگیری شاخص مزیت نسبی آشکارشده به بررسی تأثیر موجودی عوامل و بهره‌وری بر رقابت‌پذیری ۳۹ بخش مکزیک با ۱۱ کشور طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۹۶) پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بهره‌وری و موجودی عوامل نقش مهمی در تعیین الگوی رقابت‌پذیری دارند، اما موجودی عوامل بیشتر از تفاوت بهره‌وری الگوی تجارت بر اساس مزیت نسبی را تعیین می‌کند.

بانسی و کرنتسل (۲۰۱۳) به بررسی رقابت‌پذیری اتیوپی در صادرات قهوه با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی و مزیت نسبی آشکارشده برای سال‌های (۲۰۱۰-۱۹۶۱) پرداختند. نتایج نشان داد اتیوپی در طول این دوره در صادرات قهوه مزیت نسبی دارد و دولت‌ها با حذف محدودیت‌ها، حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاری زیربنایی باعث افزایش شاخص مزیت نسبی در سال‌های بعد می‌گردند و به‌منظور استفاده کارامد از نیروی کار باید اقدامات مربوط به افزایش سطح زیر کشت انجام گیرد.

بانسی (۲۰۱۳) با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی و مزیت نسبی آشکارشده به بررسی رقابت‌پذیری و عوامل تعیین‌کننده صادرات کاکائوی غنا برای سه دوره (۱۹۶۹-۱۹۶۴)، (۱۹۹۲-۱۹۸۳) و (۲۰۱۰-۲۰۰۰) پرداخت. نتایج نشان داد که رقابت‌پذیری غنا در کاکائو و فرآورده‌های آن افزایش یافت و اهمیت رابطه مثبت بین نرخ ارز و صادرات در افزایش رقابت‌پذیری مورد توجه قرار گرفت.

۳. اندازه‌گیری و بررسی رقابت‌پذیری بخش کشاورزی کشورهای منتخب

به‌منظور بررسی رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی کشورهای منتخب، متوسط شاخص‌های مزیت نسبی آشکارشده متقارن، صادراتی، وارداتی و تجارت بخش کشاورزی هر یک از کشورهای منتخب طی دوره (۲۰۱۱-۱۹۹۵) محاسبه شدند. نتایج حاصل از محاسبه شاخص‌ها به دو بخش تقسیم می‌شوند، بخش اول به بررسی و مقایسه رقابت‌پذیری همه کشورهای منتخب اختصاص دارد که نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است. در بخش دوم به بررسی رقابت‌پذیری ایران بر اساس برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

شایان ذکر است در انتخاب کشورها به ویژگی برخورداری از سهم بالا در تجارت خارجی بخش کشاورزی توجه شده است. در ضمن انتخاب کشورها به در حال توسعه و توسعه‌یافته بر اساس تقسیم‌بندی کشورها توسط پایگاه داده‌ای کنفرانس ملل متحد در خصوص توسعه و تجارت انجام شده است.

1. Ordinary Least Squre

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

بر اساس جدول (۱)، کشورهای ساحل‌عاج، اروگوئه، آرژانتین، غنا، برزیل، سریلانکا و کلمبیا در میان کشورهای در حال توسعه منتخب و کشورهای نیوزیلند، یونان، استرالیا، دانمارک و هلند درمیان کشورهای توسعه‌یافته منتخب بالاترین میزان شاخص رقابت‌پذیری صادراتی و تجاری را به‌خود اختصاص دادند. به‌طور مشخص، کشورهای ساحل‌عاج، اروگوئه، نیوزیلند، آرژانتین و غنا جزء پنج کشور نخست در میان کشورهای مورد بررسی وکشور الجزایر ضعیف‌ترین کشور در صادرات و تجارت محصولات کشاورزی در بین کشورهای منتخب می‌باشد. در ارتباط با نتایج به‌دست آمده به‌نظر می‌رسد رقابت‌پذیری در کشورهای در حال توسعه برخوردار از منابع طبیعی و نیروی کار فراوان به نسبت بالاتر از سایر کشورها است. همچنین می‌توان به اهمیت بهره‌وری عوامل تولید در رقابت‌پذیری کشورهایی مانند استرالیا، دانمارک، نیوزلند، یونان، آرژانتین و هلند اشاره کرد، با وجود اینکه فراوانی عوامل تولید به‌خصوص نیروی کار در این کشورها به نسبت پایین می‌باشد، اما این کشورها به‌دلیل برخورداری از نیروی کار ماهر توانسته‌اند به جایگاه مناسبی در رقابت‌پذیری دست یابند.

بررسی متوسط شاخص مزیت وارداتی نشان می‌دهد، کشورهای سنگال، الجزایر و مصر بالاترین مقدار شاخص را دارند که حکایت از حجم بالای وارداتی محصولات کشاورزی و نیاز بالای آنها به مواد غذایی و کشاورزی است. متوسط شاخص‌های مزیت نسبی آشکارشده متقارن، وارداتی و تجاری ایران به‌ترتیب ۰/۲۸۳-، ۲/۰۰۵ و ۱/۴۵- محاسبه شده است. نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های رقابت‌پذیری طی دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۵) نشان‌دهنده این است که بخش کشاورزی ایران از جایگاه رقابت‌پذیری مناسبی در مقایسه با بسیاری از کشورهای مورد مطالعه برخوردار نمی‌باشد.

جدول ۱. متوسط شاخص‌های رقابت‌پذیری بخش کشاورزی محاسبه شده نسبت به کل کشورهای جهان طی دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۵)

کشورهای در حال توسعه	RSCA	RXA	RMA	RTA	کشورهای توسعه‌یافته	RSCA	RXA	RMA	RTA
الجزایر	-۰/۹۲۱	۰/۰۳۹	۳/۸۷۸	-۳/۸۳۹	استرالیا	۰/۴۸۸	۳/۳۳۸	۰/۵۵	۲/۷۸۷
آرژانتین	۰/۷۲	۱۰/۹۴۵	/۵۹	۱۰/۳۵۳	اتریش	-۰/۱۰۲	۰/۸۳۴	۰/۸۶۷	-۰/۰۳۴
برزیل	۰/۵۸۶	۵/۱۵۳	۰/۸۶۹	۴/۲۸۴	بلغارستان	۰/۲۸۷	۱/۹۸۹	۰/۹۷۶	۱/۰۱۳
شیلی	۰/۲۹۹	۲/۰۵۶	۰/۹۳۲	۱/۱۲۵	جمهوری چک	-۰/۲۳۴	۰/۶۰۴	۰/۷۹۹	-۰/۱۹۵
کلمبیا	۰/۴۷۵	۳/۵۶۷	۱/۴۸۶	۲/۰۸۲	دانمارک	۰/۴۱۸	۲/۷۹	۱/۳۸۳	۱/۴۰۷
ساحل عاج	۰/۷۳۷	۱۲/۵۴۲	۲/۴۲۱	۱۰/۱۲۱	فنلاند	-۰/۴۵۸	۰/۳۵۴	۰/۷۸۹	-۰/۴۳۵
مصر	۰/۱۳۷	۱/۴۵۵	۳/۴۰۷	-۱/۹۵۲	آلمان	-۰/۲۳۲	۰/۵۷۹	۰/۹۳۳	-۰/۳۵۳
هند	۰/۲۰۸	۱/۶۳۶	۰/۶۷۶	۰/۹۶	یونان	۰/۵۷	۶/۳۲۹	۱/۷۲۱	۴/۶۰۸
ایران	-۰/۲۸۳	۰/۵۵۴	۲/۰۰۵	-۱/۴۵	مجارستان	۰/۰۸	۱/۲۶۱	۰/۵۲۳	۰/۷۳۸
مالزی	۰/۱۲۲	۱/۳۶۵	۰/۸۱۱	۰/۵۵۴	ایرلند	۰/۱۴۴	۱/۴۲۲	۱/۱۲	۰/۳۰۲

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

ادامه جدول ۱.

مکزیک	-۰/۱۵۱	۰/۷۱۹	۰/۸۴۵	-۰/۱۲۵	ایتالیا	-۰/۰۳۷	۰/۹۲۷	۱/۲۴۴	-۰/۳۱۷
مراکش	۰/۱۹۴	۱/۵۵۳	۱/۹۵۲	-۰/۳۹۹	ژاپن	-۰/۸۹۶	۰/۰۴۸	۱/۳۵۹	-۱/۳۱۱
پاکستان	۰/۲۶	۱/۸۶۹	۲/۲۹	-۰/۲۲۴	هلند	۰/۳۶۱	۲/۴۳۸	۱/۳۷۹	۱/۰۵۹
تونس	۰/۰۳۷	۱/۱۲۷	۱/۳۵۲	-۰/۲۲۴	نیوزیلند	۰/۷۲۷	۱۱/۴۸۲	۱/۱۴	۱۰/۳۴۲
سریلانکا	۰/۴۷۷	۳/۴۲۸	۱/۹۳۸	۱/۴۹	نروژ	-۰/۸۱۷	۰/۰۹۳	۰/۷۴۵	-۰/۶۵۲
تایلند	۰/۲۸۴	۱/۹۴۲	۰/۵۸۸	۱/۳۵۴	لهستان	۰/۰۷	۱/۱۸۲	۰/۹۲۶	۰/۲۵۶
ترکیه	۰/۱۷۴	۱/۵۵	۰/۷۷	۰/۷۸	پرتغال	-۰/۰۴	۰/۹۴۷	۱/۳۸	-۰/۴۳۳
اروگوئه	۰/۷۲۸	۱۱/۶۷۷	۱/۵۵۱	۱۰/۱۲۶	رومانی	-۰/۱۸۲	۰/۷۰۸	۱/۰۰۸	-۰/۳
غنا	۰/۶۰۴	۶/۳۴۳	۱/۷۶۳	۴/۵۸	روسیه	-۰/۶۵۶	۰/۱۹۴	۲/۰۰۸	-۱/۸۱۴
آفریقای‌جنوبی	-۰/۰۲۳	۰/۹۵۴	۰/۶۹۳	۰/۲۶	اسلواکی	-۰/۲۸۵	۰/۵۴	۰/۸۰۱	-۰/۲۶۱
سنگال	۰/۲۶۹	۱/۹۸۳	۵/۹۲۷	-۳/۹۲۵	اسپانیا	۰/۲۷۸	۱/۹۱۷	۱/۰۵۶	۰/۸۶۱
اکراین	۰/۲۹۳	۲/۰۵۳	۰/۸۲۳	۱/۲۳	کانادا	-۰/۰۳۸	۰/۹۳	۰/۶۸۹	۰/۲۴۱
چین	-۰/۱۸۱	۰/۷۷۸	۱/۵۰۴	-۰/۷۲۶	انگلستان	-۰/۱۳۵	۰/۷۴۲	۱/۱۲۹	-۰/۳۸۸
کره	-۰/۷۷۲	۰/۱۱۶	۰/۶۵۷	-۰/۵۴	آمریکا	۰/۰۶۷	۱/۱۶۹	۰/۴۶۳	۰/۷۰۶

مأخذ: نتایج تحقیق.

به‌منظور بررسی رقابت‌پذیری ایران بر اساس برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، ضمن محاسبه شاخص‌های رقابت‌پذیری، بهره‌وری کل عوامل تولید با استفاده از شاخص مانده سولو[1] و همچنین از نسبت مخارج دولت برای توسعه بخش کشاورزی به ارزش افزوده این بخش برای محاسبه شاخص اندازه دولت استفاده شد.

وضعیت رقابت‌پذیری ایران طی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در جدول (۲) ارائه شده است. بر اساس شاخص‌های رقابت‌پذیری صادراتی محاسبه شده در این جدول، مزیت رقابتی محصولات کشاورزی طی دوره (۱۳۹۰-۱۳۷۴) از روند نزولی و نوسانی برخوردار بوده است. در ارتباط با نتایج به‌دست آمده، توجه به چند نکته حائز اهمیت است: علی‌رغم افزایش عوامل تولید و مخارج دولت طی دوره برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور در برنامه دوم توسعه بیشترین توان صادرات محصولات کشاورزی و در برنامه چهارم توسعه کمترین توان صادراتی را داشته است. بررسی دقیق‌تر این موضوع نشان می‌دهد که متوسط شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در برنامه دوم توسعه بالاتر از برنامه‌های دیگر بوده است که به‌نوعی بر اهمیت بهره‌وری کل عوامل تولید تأکید دارد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد طی دوره زمانی مورد مطالعه بهره‌وری عوامل تولید مهم‌ترین نقش را در افزایش رقابت‌پذیری بخش کشاورزی ایران داشته است. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود،

1. Sollow Residual

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

متغیرهای مؤثر بر رقابت‌پذیری نظیر عوامل تولید، مخارج دولت و متوسط شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در برنامه چهارم در مقایسه با برنامه سوم توسعه افزایش یافته است، اما نتایج حاصل از شاخص رقابت‌پذیری نشان‌دهنده کاهش رقابت‌پذیری بخش کشاورزی ایران در برنامه چهارم است. در ارتباط با نتیجه به‌دست آمده می‌توان به وقوع مشکل خشکسالی طی این برنامه و اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در برنامه سوم توسعه اشاره کرد. البته نباید از اثرات تحریم‌های اعمال‌شده در کشور طی دو سال آخر برنامه چهارم توسعه نیز غافل شد. نتایج حاصل از بررسی برنامه پنجم توسعه در سال‌های نخست شروع برنامه، نشان‌دهنده بی ثباتی رقابت‌پذیری بخش کشاورزی ایران است که می‌تواند متأثر از بهره‌وری کل عوامل تولید باشد و همچنین درآمدهای ناشی از صادرات نفتی، پرنوسان است و برنامه‌ریزی درست جهت استفاده از درآمدهای آن، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین به‌نظر می‌رسد قیمت نفت و تحریم‌ها نقش مهمی در بی‌ثباتی موقعیت رقابتی بخش کشاورزی ایران طی برنامه‌های توسعه داشته‌اند. همچنین متوسط شاخص مزیت وارداتی کشور در طول برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه به‌ترتیب ۲/۹۵، ۱/۸۵ و۱/۳۲ می‌باشد، این موضوع نشان می‌دهد که بازارهای داخلی کشور در طول برنامه دوم توسعه به‌عنوان بازارهای هدف محصولات کشاورزی جهان بوده و میزان واردات در طول این دوره در بیشترین میزان خود بوده است. البته در این میان، نباید از تشدید تحریم‌های سیاسی-اقتصادی در طول برنامه چهارم توسعه غافل بود که به‌نوعی بر روند واردات کشور اثر منفی داشته است.

جدول ۲. رقابت‌پذیری بخش کشاورزی ایران طی دوره زمانی (۱۳۹۰-۱۳۷٤)

متغیر	سال	RSCA	RXA	RMA	سطح زیر کشت	سرمایه	نیروی کار	بهره‌وری کل عوامل تولید	بارندگی	اندازه دولت	نرخ ارز واقعی
برنامه دوم	۱۳۷۴	-۰/۲۱	۰/۶۳	۳/۶۸	۱۴۱۶	۷۰۹۲۱	۵۲۲۸	۰/۰۴۱	۱۳۰۹	۴/۸۵۹	۶۴۵۰
	۱۳۷۵	-۰/۳	۰/۵۱	۲/۵۸	۱۴۱۵	۷۱۸۲۳	۵۳۱۳	۰/۰۲۷	۲۰۰۸	۳/۴۶۱	۵۱۵۸
	۱۳۷۶	-۰/۲۹	۰/۵۳	۳/۱۴	۱۳۵۷	۷۳۳۵۷	۵۴۲۳	۰/۰۰۲	۱۲۶۳	۳/۵۹۴	۴۵۰۴
	۱۳۷۷	۰/۰۱	۱/۰۱	۲/۳۷	۱۴۳۷	۷۳۱۹۷	۵۵۵۴	۰/۱۳	۱۱۳۰	۲/۷۴۲	۳۸۷۸
	۱۳۷۸	-۰/۱۹	۰/۶۶	۳/۰۱	۱۱۹۷	۷۳۴۷۷	۵۶۹۱	۰/۰۲۵	۲۲۰۳	۲/۴۳	۳۳۰۲
	متوسط دوره	-۰/۱۹۶	۰/۶۶	۲/۹۵	۱۳۶۵	۷۲۵۵۵	۵۴۴۱۸	۰/۰۴۵	۱۵۸۲	۳/۳۴	۴۶۵۸
برنامه سوم	۱۳۷۹	-۰/۳	۰/۵۳	۳/۱۵	۱۱۹۴	۷۴۳۰۹	۵۸۲۱	۰/۰۴۹	۱۳۶۹	۲/۹۳۶	۳۰۰۲
	۱۳۸۰	-۰/۲۲	۰/۶۳	۲/۵۷	۱۳۱۱	۷۶۰۴۴	۵۹۴۱	-۰/۰۷	۱۳۴۶	۷/۷۲	۲۷۵۷
	۱۳۸۱	-۰/۲۶	۰/۵۷	۱/۲۷	۱۴۳۲	۷۶۲۵۳	۶۰۵۳	-۰/۰۷	۱۹۰۹	۹/۸۳۱	۹۶۴۵
	۱۳۸۲	-۰/۲۱	۰/۶۳	۱/۲۱	۱۴۲۴	۷۷۱۳۱	۶۱۵۵	۰/۱۱	۱۶۵۹	۵/۳۳۳	۱۰۰۴۸
	۱۳۸۳	-۰/۳۵	۰/۴۷	۱/۰۸	۱۴۹۸	۷۸۰۴۲	۶۲۴۸	-۰/۰۲۰	۲۰۲۴	۵/۵۸۶	۹۴۵۰
	متوسط دوره	-۰/۲۶	۰/۵۶	۱/۸۵	۱۳۷۲	۷۶۳۵۶	۶۰۴۴	۰/۰۲۶	۱۶۶۱	۶/۲۸۱	۶۹۸۰
برنامه چهارم	۱۳۸۴	-۰/۳۴	۰/۴۸	۱/۰۸	۱۵۶۸	۸۰۱۷۳	۶۳۳۱	۰/۰۲۹	۵۷۰	۱۲/۹۶۱	۸۹۶۴

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

ادامه جدول ۲.

	۱۳۸۵	-۰/۲۷	۰/۵۶	۱/۳۲	۱۴۶۵	۸۱۴۷۷	۶۴۰۳	۰/۰۴۹	۱۹۵۵	۱۱/۱	۸۴۵۷
	۱۳۸۶	-۰/۳۱	۰/۵۱	۱/۳۵	۱۵۸۸	۸۲۶۴۳	۶۴۷۱	۰/۰۲۱	۱۱۹۰	۸/۸۹	۷۵۱۰
	۱۳۸۷	-۰/۳۶	۰/۴۵	۱/۶۱	۱۱۷۳	۸۳۵۳۵	۶۵۲۳	۰/۰۱۹	۸۱۷	۶/۵۶۴	۶۳۱۰
	۱۳۸۸	-۰/۶۳	۰/۲۱	۱/۲۵	۱۴۴۷	۸۴۴۷۰	۶۵۶۴	۰/۰۳۰	۲۱۱۸	۳/۲۹۳	۵۷۹۶
	متوسط دوره	-۰/۳۸	۰/۴۴	۱/۳۲	۱۴۴۸	۸۲۴۶۰	۶۴۵۸	۰/۰۲۹	۱۳۳۰	۸/۴۰۱	۷۴۰۷
برنامه پنجم	۱۳۸۹	-۰/۰۲	۰/۶۵	۱/۷۵	۱۴۶۲	۸۵۲۵۲	۶۵۹۵	۰/۰۷۷	۱۳۰۷	۴/۹۵۲	۵۵۶۰
	۱۳۹۰	-۰/۳۹	۰/۴۲	۱/۶۶	۱۴۶۹	۸۵۹۶۰	۶۶۱۶	۰/۰۰۹	۱۵۲۷	۴/۹۷۷	۴۹۲۳
	متوسط کل دوره	-۰/۲۸	۰/۵۵	۲	۱۴۰۳	۷۸۱۲۱	۶۰۵۵	۰/۰۳۵	۱۵۱۲	۵/۸۸۵	۶۲۱۸

مأخذ: نتایج تحقیق.

٤. نتیجه گیری وپیشنهادها

مقاله حاضر، رقابت‌پذیری بخش کشاورزی کشورهای منتخب را طی دوره زمانی (۲۰۱۱-۱۹۹۵) برآورد و بررسی کرده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، کشورهای ساحل‌عاج، اروگوئه، نیوزیلند، آرژانتین و غنا پنج کشور اول در صادرات و تجارت محصولات کشاورزی در بین کشورهای منتخب می‌باشند و بخش کشاورزی ایران از جایگاه رقابت‌پذیری مناسبی در مقایسه با بسیاری از کشورهای مورد مطالعه برخوردار نبوده است و تنها در سال ۱۳۷۷ مقدار شاخص رقابت‌پذیری صادراتی ایران مثبت بوده است که به‌نظر می‌رسد عمدتاً ناشی از افزایش بهره‌وری عوامل تولید در این سال می‌باشد. همچنین، شاخص صادراتی ایران طی دوره مورد مطالعه نشان می‌دهد که مزیت رقابتی این محصولات، روند نزولی و نوسانی داشته است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، توجه به عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری به‌ویژه بهره‌وری عوامل تولید و تدوین راهبرد مشخص و مناسب جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ضروری است.

منابع

آرمن، سید عزیز و ناهید کرد زنگنه (۱۳۸۶)، "ارزیابی مزیت نسبی و دخالت دولت در فعالیت‌های صنعتی: مورد منطقه خوزستان"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۳۰، صص ۱۱۸-۹۳.

پاکروان، محمدرضا و امیدگیلانپور (۱۳۹۲)، "بررسی چشم‌انداز پتانسیل صادراتی و رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی ایران در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا"، *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره ۱، صص ۶۳-۵۱.*

پژویان، جمشید و مرجان فقیه‌نصیری (۱۳۸۸)، "تبیین جایگاه رقابتمندی ایران در میان سایر کشورهای جهان"، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۳۳، صص ۴۵-۱۵.

جانی، سیاوش (۱۳۹۰)، "عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری در ایران و کشورهای جنوب غرب آسیا"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۵۸، صص ۱۹۰-۱۵۹.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]

سلامی، حبیب ا...و اسماعیل پیش‌بهار (۱۳۸۰)، "تغییرات الگوی مزیت نسبی محصولات کشاورزی در ایران: تحلیلی کاربردی با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی ابراز شده"، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳۴، صص ۹۹-۶۷.

مهرابی بشرآبادی، حسین و اکرم نشاط (۱۳۸۹)، "بررسی عوامل مؤثر بر مزیت نسبی صادراتی و الویت‌بندی بازارهای هدف پسته ایران"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۵، صص ۲۲۳-۲۱۳.

مهرآرا، محسن و علی رستمیان (۱۳۸۵)، "ایران، میزان ادغام در اقتصاد جهانی و مزیت‌های نسبی"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۲، صص ۱۶۲-۱۳۱.

میرزایی، فرهاد؛ قربانی، محمد؛ یزدانی، سعید؛ قره‌داغی؛ علی‌اکبر و احمد ناجی (۱۳۸۴)، "بررسی تأثیر عوامل مهم تعیین‌کننده شاخص RCA بر روی صادرات گوشت مرغ ایران در منطقه خاورمیانه"، *مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.*

نیکواقبال، علی‌اکبر و حسن ولی‌بیگی (۱۳۸۶)، "رقابت‌پذیری صنایع ایران در روند الحاق به سازمان تجارت جهانی"، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۹، صص ۲۱۱-۱۹۳.

Amoroso, N., Chiquiar, D. & M.R. Francia (2011), "Technology and Endowments as Determinants of Comparative Advantage: Evidence from Mexico", *North American Journal of Economic*, Vol. 22, No. 2, PP.164-196.

Balassa, B. (1965), "Trade Liberalization and Revealed Comparative Advantage", *The Manchester School of Economic and Social Studies*, No. 33, PP.99-123.

Boansi, D. (2013), "Competitiveness and Detetminants of Coca Exports from Ghana", *International Journal of Agricultural Policy and Research*, Vol. 1, No. 9, PP. 236-254.

Boansi, D. & C. Crentsil (2013), "Competitiveness and Detetminants of Coffee Exports, Producer Price and Production for Ethiopia", *MPRA Paper*, No. 48869, PP.1-25.

Brasili, A.; Epifani, P. & R. Helg (2000), "On the Dynamics of Trade Patterns", CESPRI, Italy, Working Paper, NO. 115, PP. 1-33.

Clarida, R. & R. Findlay (1991), "Endogenous Comparative Advantage, Government, and the Pattern of Trade", NBER Working Paper, Vol. 3813, PP. 1-38.

Gupta, D. S. (2009), "Comparative Advantage and Competitive Advantage and Economics Perspective and a Synthesis", Canadian Economics Association Conference, Toronto.

Siggel, E. (2006), " International Competitiveness and Comparative Advantage: A Survey and Proposal for Measurement, *Journal of Industry, Competition and Trade*, Vol. 6, No. 2, PP. 137-159.

Utkulu, U. & D. Seymen (2004), "Revealed Comparative Advantage and Competitiveness: Evidence for Turkey visà-vis the EU/15", *In European Trade Study Group 6th Annual Conference, ETSG*,PP.1-26, September.

Vallrath, T. L. (1991), "A Theoretical Evaluation of Alternative Trade Intensity Measures of Revealed Comparative Advantage", *Weltwirtschaftliches Archive,* No. 130, PP. 265-279.

Vollrath, T. L. (1989), "Competitiveness and Protection in World Agriculture", *Agricultural Information Bulletin*, Economic Research Service, US Department of Agriculture: Washington DC, No. 567.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-04]